

چالش های والدین در تربیت معنوی کودکان دیجیتال

هانیه علیرضایی، سمیه الفتی^۱

چکیده

با گسترش شتابان فناوری های ارتباطی و ظهور نسل جدیدی از کودکان موسوم به «کودکان دیجیتال»، فرآیند تربیت معنوی با چالش های بی سابقه ای روبه رو شده است. والدینی که خود تجربه ای از زیست جهان رسانه ای مدرن نداشته اند، در مواجهه با پلتفرم های متنوع، ارزش های متناقض و الگوهای هویتی نوپدید، ناتوان از ایفای نقش مؤثر تربیتی می شوند. این وضعیت، ضرورت بازنگری در الگوهای سنتی تربیت دینی و فهم زمینه های بحرانی در روابط والد-کودک را ایجاب می کند. هدف از تحقیق، شناسایی دقیق موانع موجود و تبیین ابعاد جدید بحران تربیت معنوی در عصر دیجیتال با تکیه بر مطالعات داخلی و داده های تجربی است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی با رویکرد اسنادی بوده و منابع علمی و پژوهشی معتبر حوزه تعلیم و تربیت اسلامی، رسانه و روان شناسی کودک مورد بهره برداری قرار گرفته اند. یافته های تحقیق نشان می دهد که چالش هایی نظیر فقدان مهارت والدین در تفکیک معنویت اصیل از معنویت های دیجیتالی، وابستگی شدید کودکان به ابزارهای مجازی، تضعیف مرجعیت دینی والدین، تضاد ارزش های خانوادگی با محتوای رسانه ای، و بحران در برنامه ریزی زمان، مهم ترین موانع در مسیر تربیت معنوی کودکان دیجیتال به شمار می روند. این چالش ها منجر به فروکاست معنویت به سطحی از حس خوب یا تجربه زیباشناختی بی ریشه شده و انتقال ایمان را مختل می سازند. این تحقیق می کوشد تصویری واقع گرایانه از بحران معنویت ورزی در خانواده های معاصر ترسیم کرده و گام نخست را برای مواجهه مؤثرتر نهاد خانواده با زیست جهان رسانه ای فرزندان بردارد. این تحلیل، زمینه ساز ارائه راهکارهای آینده پژوهانه برای بازیابی قدرت تربیتی خانواده در قرن رسانه خواهد بود.

کلیدواژه ها: تربیت معنوی، کودک دیجیتال، والدین، فضای مجازی، چالش تربیتی

^۱ . طلاب سطح دو، مدرسه علمیه تخصصی الزهراء (س)، شهرستان صحنه، fa614182@gmail.com

مقدمه

در عصر دیجیتال، والدین با چالش‌های نوظهور و پیچیده‌ای در تربیت معنوی فرزندان مواجه‌اند؛ چالش‌هایی که به واسطه حضور پررنگ فناوری، تغییر در الگوهای ارتباطی و هویت‌سازی دیجیتال شکل گرفته‌اند. تربیت معنوی دیگر صرفاً به انتقال مفاهیم دینی محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم درک عمیق از زیست دیجیتالی کودکان و تعامل هدفمند با جهان درونی آنان است. در این فضا، مواجهه والدین با واقعیت‌های تربیتی نه تنها به دانش دینی، بلکه به مهارت‌های رسانه‌ای، روان‌شناختی و ارتباطی نیز وابسته است (کیانی، ۱۴۰۴، ص ۸۵).

فضای مجازی از نظر ساختار، محتوای ارتباطی و الگوسازی، تأثیر بنیادینی بر سبک زندگی، باورهای اخلاقی و معنوی کودکان دارد. این فضا در عین داشتن ظرفیت‌های غنی برای آموزش غیرمستقیم مفاهیم دینی، می‌تواند بستر گسست نسلی، تضعیف ارزش‌های سنتی و تردید نسبت به باورهای اعتقادی نیز باشد (صالحی، ۱۴۰۳، ص ۲۳). از این رو، والدین نه تنها باید مربی معنوی، بلکه ناظر تحولات پنهان و پیچیده در دنیای مجازی فرزند خود باشند.

مسئله اصلی در این پژوهش آن است که با وجود ضرورت تربیت معنوی در کودکان، ابزارها و روش‌های تربیتی سنتی، کارآمدی پیشین خود را از دست داده‌اند. کودکان امروز در معرض پیام‌های متنوع، گاه متضاد، با سرعت و حجم بالا قرار دارند. این پیام‌ها نه تنها درکی سطحی از معنویت به آن‌ها منتقل می‌کنند، بلکه گاه باعث واگرایی از سنت دینی خانواده نیز می‌شوند (غلامزاده، ۱۴۰۲، ص ۳۶).

با توجه به نقش زیربنایی معنویت در رشد متوازن شخصیت و اخلاق کودک، غفلت از این بُعد، زمینه‌ساز آسیب‌های جدی روان‌شناختی، هویتی و اخلاقی خواهد شد (حافظی، ۱۴۰۰، ص ۱۹). تربیت معنوی، نه تنها باعث درونی‌سازی ارزش‌های دینی می‌شود، بلکه با افزایش خودآگاهی، ارتباط با خداوند و هدفمندی زندگی، تاب‌آوری کودک را در برابر بحران‌های هویتی و فشارهای بیرونی تقویت می‌کند (دهقان‌پور، ۱۴۰۳، ص ۵۰).

در عصر دیجیتال، این تربیت دیگر به صورت خطی و یک‌سویه قابل تحقق نیست. فرزندان در مواجهه با داده‌های چندرسانه‌ای، تعامل همزمان با چند منبع مرجع، و گفتمان‌های متضاد، نیاز به مدلی دارند که از یک‌سو منطبق با فناوری و از سوی دیگر مبتنی بر آموزه‌های عمیق دینی باشد (شامی، ۱۴۰۳، ص ۱۰۷). چنین مدلی، نیازمند بازتعریف نقش والدین، مربیان و نهادهای فرهنگی در تربیت معنوی است.

داده‌ها از طریق تحلیل اسنادی و مطالعات اکتشافی بر مبنای منابع منتخب گردآوری شده‌اند (مقدم، ۱۴۰۲، ص ۷۵). تمرکز اصلی بر بازنمایی چالش‌هایی است که والدین به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در فضای تربیتی تجربه می‌کنند.

در راستای غنای نظری مقاله، از مجموعه‌ای از منابع معتبر بهره گرفته شده است که به ابعاد مختلف تربیت معنوی در عصر دیجیتال پرداخته‌اند. برخی از این منابع به بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی در تربیت دینی پرداخته‌اند (رضوانیان، ۱۴۰۰، ص ۱۲۳)، و برخی دیگر به صورت مستقیم به نقش خانواده در فرآیند معنویت‌پروری کودکان اشاره داشته‌اند (دهقان‌پور، ۱۴۰۳، ص ۵۸؛ کیانی، ۱۴۰۴، ص ۶۷). همچنین پژوهش‌هایی نیز هستند که به تحلیل تربیت دینی در بستر نظام رسمی و چالش‌های یادگیری الکترونیکی پرداخته‌اند (معصومه کیانی، ۱۴۰۲، ص ۸۰).

ادبیات پژوهش بر آن است که تحولات رسانه‌ای در ساختار مفهومی، محتوایی و ادراکی تربیت معنوی تأثیرگذار بوده و بدون بازنگری در نقش والدین، کارایی تربیت معنوی به شدت کاهش می‌یابد (صالحی، ۱۴۰۳، ص ۴۲؛ شامی، ۱۴۰۳، ص ۱۰۹).

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. معنویت و تربیت معنوی

در متون اسلامی، معنویت به معنای پیوند درونی انسان با خالق و فعلیت یافتن فطرت خداجوی اوست. واژه “روح” با حیات و هدایت ربانی پیوند دارد و معنویت، امری ذاتی، فطری و متصل به ساحت توحیدی انسان است که با ایمان، اخلاق، عبادت و معرفت دینی عجین شده است. هدف تعلیم و تربیت در اسلام، هدایت انسان به سوی کمال و قرب الهی است. معنویت در این رویکرد، صرفاً عواطف درونی نیست، بلکه ساختاری منظم و هدفمند برای تقویت شناخت و رفتار متعالی است. ریاضت نفس، عاملی برای صفای باطن و قرب به حق شمرده می‌شود (امام علی (ع) تربیت معنوی، فرآیندی مداوم در شکل‌دهی به باورها، نگرش‌ها و اعمال در نسبت با خدا، خویشتن و جهان است. این تربیت هم معرفتی، هم عاطفی و هم رفتاری است و شامل رشد توکل، اخلاص، محبت الهی، خوف و رجاء می‌شود. آموزش معنویت از کودکی آغاز شده و ابزارهایی چون الگوسازی، تعامل عاطفی و تمرین عبادی در آن نقش دارند. موفقیت

تربیت معنوی در کودکان، منوط به تنظیم آن با اقتضائات سنی و شناخت روان‌شناختی آنهاست. تأکید بر بازی، محبت و تلقین مثبت به عنوان ابزارهای اولیه انتقال ارزش‌های الهی، در همین راستا قرار دارد. در نگرش تمدنی اسلام، تربیت معنوی مقدمه‌ای برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سلوک اخلاقی است. معنویت، علاوه بر اتصال به خدا، انسان را نسبت به دیگران نیز متعهد می‌کند و ارتباط مستقیمی با مهارت‌های زندگی دارد.

۲.۱. کودک دیجیتال و ویژگی‌های او در زیست جهان رسانه‌ای

“کودک دیجیتال” به نسلی از کودکان گفته می‌شود که از بدو تولد با فناوری‌های دیجیتال (تلفن هوشمند، تبلت، بازی‌های رایانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی) عجین بوده‌اند. این کودکان نه تنها مصرف‌کننده، بلکه اغلب تولیدکننده محتوا نیز هستند.

ویژگی اصلی این نسل، “زیست رسانه‌ای” آنهاست؛ جهانی که در آن مرزهای واقعیت و مجاز، تجربه حضوری و مجازی، و ساحت‌های مختلف زندگی دگرگون شده است. کودکان امروز بیش از آنکه توسط کتاب یا خانواده تربیت شوند، تحت تأثیر الگوریتم‌ها، ویدیوها و بازی‌های آنلاین شکل می‌گیرند. این امر، سبک، محتوا و جهت‌گیری تربیت را نیز تغییر می‌دهد.

کودکان دیجیتال با زبان تصویر، سرعت بالا، تعویض سریع محتوا و جذابیت‌های چندرسانه‌ای خو گرفته‌اند. بنابراین، روش‌های سنتی آموزش (خطابه، نصیحت، انتقال از بالا به پایین) کارایی خود را از دست داده و تربیت آن‌ها باید از طریق تجربه زیسته، تعامل مجازی و بازی‌های ساختارمند صورت پذیرد. برنامه‌های تربیتی باید متناسب با بسترهای دیجیتال بازطراحی شوند.

دیگر ویژگی‌های این نسل عبارتند از: خودآگاهی بالا، پرسش‌گری سریع، حساسیت به تضادها و تمایل به مشارکت در تولید محتوا. اما از سوی دیگر، بیشتر در معرض شبهات، محتوای مخرب و اختلالات هویتی قرار دارند که ناشی از وفور اطلاعات، عدم غربال‌گری و نبود مرجع مطمئن است.

در عصر دیجیتال، برنامه‌های تربیت معنوی باید با ابزارها، محتوا، روش و لحن نوین سازگار شوند. تربیت معنوی برای کودکان دیجیتال باید تعاملی، تصویری، تجربه‌محور و در عین حال عمیق، مستند و اقناع‌کننده باشد.

۲. چالش‌های والدین در تربیت معنوی کودکان دیجیتال

با گسترش روزافزون حضور کودکان در فضای دیجیتال، والدین با چالش‌های تازه و بعضاً ناآشنا در زمینه تربیت معنوی مواجه شده‌اند. این چالش‌ها نه تنها ناشی از تغییر شکل ارتباطات و الگوهای یادگیری هستند، بلکه ریشه در ناآمادگی والدین برای تعامل مؤثر با واقعیت‌های جدید زندگی دیجیتال دارند. مواجهه با مفاهیمی همچون معنویت دیجیتال، شبه‌معنویت، یا دین‌گریزی تکنولوژیک، لزوم بازنگری در راهبردهای سنتی تربیت معنوی را دوچندان کرده است.

۲.۱. فقدان مهارت والدین در تفکیک معنویت اصیل از شبه‌معنویت دیجیتال

در جهان معاصر که مرزهای معرفتی و رسانه‌ای در هم آمیخته‌اند، تربیت معنوی کودک به مسئله‌ای پیچیده و چندلایه بدل شده است. یکی از مشکلات اساسی در این میان، ناتوانی والدین در تمایز میان معنویت اصیل برگرفته از منابع دینی معتبر و گونه‌های جعلی و سطحی‌شده‌ای است که در فضای مجازی با ظاهری دل‌فریب اما محتوایی توخالی عرضه می‌شوند. والدینی که فاقد آموزش‌های تخصصی در تحلیل محتوای دینی و شبه‌دینی هستند، اغلب در مواجهه با این فضای پر زرق و برق واکنشی منفعلانه و گاه تحسین‌آمیز دارند؛ درحالی‌که این فضا می‌تواند مروج نوعی از معنویت بی‌ریشه و تجربی‌محور باشد (صالحی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱۲).

بخشی از این سردرگمی از آنجا ناشی می‌شود که معنویت در فضای مجازی عمدتاً از لحن‌های عاطفی، جملات قصار و مفاهیم فانتزی استفاده می‌کند که برای کودک یا نوجوان جذاب و قابل فهم است، اما از منظر معرفتی، فاقد ارتباط با وحی، عقل و سنت دینی است. معنویت‌های ذن‌گونه، انرژی‌محور یا مبتنی بر یوگا و مراقبه بدون پشتوانه معرفتی، اغلب به‌جای ارتقاء بینش توحیدی، بر نوعی آرامش فردی سطحی تمرکز دارند (کیانی و همکاران، ۱۴۰۴، ص ۲۲). همین امر سبب می‌شود تا کودک، معنویت را تنها در قالب احساسات خوشایند، رنگ‌های ملایم، یا واژه‌های مبهمی چون «انرژی مثبت»، «کائنات»، یا «رهایی درون» بشناسد؛ درحالی‌که معنویت اسلامی بر پایه سلوک عقلانی، ایمان قلبی، و عمل صالح شکل می‌گیرد.

در چنین وضعیتی، نبود سواد معنوی نزد والدین عمق فاجعه را دوچندان می‌کند. والدینی که خود قادر به تبیین معنای توحید، رابطه انسان با خدا، و مفاهیمی چون بندگی، اخلاص و تزکیه نیستند، چگونه می‌توانند محتوای معنوی دروغین را تشخیص داده و برای فرزندان خود فیلتر معنایی مؤثری فراهم سازند؟ آنچه در عمل دیده می‌شود، نوعی پذیرش منفعلانه از جانب والدین است؛ حالتی که گاه به تحسین برخی محتواهای عرفانی جعلی

اگر زبان انتقال مفاهیم دینی با زبان رسانه‌ای کودک تطبیق نداشته باشد، حتی بهترین محتوا نیز از سوی کودک نادیده گرفته می‌شود یا تأثیری حداقلی خواهد داشت (شریفی و شیرزادی، ۱۴۰۳، ص ۲۳). این عدم انطباق نه تنها موجب بی میلی به آموزش دینی می‌شود، بلکه به تدریج مفاهیم معنوی را از حوزه تجربه پذیر کودک حذف می‌کند. فقدان تولیدات دینی و معنوی متناسب با ذهن کودک دیجیتال، موجب شده است که فضای مجازی، به ویژه بازی‌ها، انیمیشن‌ها و شبکه‌های اجتماعی کودک محور، تحت سلطه محتوای سکولار، مصرف‌گرا و لذت محور قرار گیرد. در این فضاها، ارزش‌هایی چون مراقبه، عبادت، تسلیم در برابر امر الهی یا خدمت بی چشم داشت به دیگران، جایگاهی ندارند و اگر هم نمایش داده شوند، اغلب تحریف شده‌اند (صالحی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۳۸). کودک دیجیتال با نوعی عدم حضور هویتی دین در فضای سرگرمی، آموزش و تعامل رسانه‌ای روبه‌رو می‌شود. او میان فضای جدی دین (در مدرسه یا خانواده) و فضای شاد و تعاملی دیجیتال، شکافی می‌یابد که به تضعیف پیوندش با معنویت می‌انجامد (غلامزاده و همتی، ۱۴۰۲، ص ۴۸).

۲.۷. چالش در مدیریت زمان استفاده از فضای مجازی و ایجاد تعادل با فعالیت‌های معنوی

با گسترش همه‌جانبه رسانه‌های دیجیتال در زندگی کودکان، یکی از اساسی‌ترین چالش‌هایی که والدین با آن مواجه‌اند، ناتوانی در مدیریت زمان استفاده از ابزارهای دیجیتال و برقراری توازن میان فعالیت‌های مجازی و فعالیت‌های تربیتی، به ویژه فعالیت‌های دینی و معنوی است (شریفی و شیرزادی، ۱۴۰۳، ص ۲۱). زیست جهان کودک دیجیتال، متأثر از نظم زمانی شبکه‌ها، بازی‌ها و پلتفرم‌هایی است که بدون محدودیت، زمان او را تسخیر می‌کنند و فعالیت‌های دینی به حاشیه رانده می‌شود.

در ساختار روزانه کودکان دیجیتال، به سبب غلبه جذابیت و درگیرکنندگی ابزارهای هوشمند، زمان زیادی صرف استفاده از گوشی، بازی‌های آنلاین و محتوای سرگرمی محور می‌شود. این غلبه زمانی، نه تنها فرصت‌های حضور در برنامه‌های تربیتی مانند نماز جماعت، جلسات قرآنی یا حتی گفت‌وگوی خانوادگی را از بین می‌برد، بلکه به تدریج در ذهن کودک اولویت‌های ارزشی جدیدی شکل می‌دهد که با فضای تربیت دینی مغایرت دارد (غلامزاده و همتی، ۱۴۰۲، ص ۵۲).

بسیاری از والدین توان یا مهارت لازم برای طراحی برنامه روزانه متعادل را ندارند؛ یا دچار سهل انگاری شده‌اند و یا دچار ناتوانی در اعمال اقتدار مثبت تربیتی‌اند. این امر موجب می‌شود که کودک بدون مرزبندی زمانی، از فعالیت‌های دینی غافل شده و درک معنوی او دچار ضعف تدریجی گردد (حافظی، ۱۴۰۰، ص ۳۱). همچنین

فعالیت‌های تربیتی چون خلوت‌های معنوی، دعا و تاملات شبانه، جای خود را به شب‌زنده‌داری‌های رسانه‌ای داده‌اند که کودک در آن با انبوهی از تصاویر، پیام‌ها و کلیپ‌های گوناگون مواجه می‌شود (صالحی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۳۶).

در بسیاری از خانواده‌ها، نبود الگوی مشخص زمانی برای عبادات روزانه، قرائت قرآن یا مشارکت در کارهای خیر، موجب شده است که کودک، این امور را نه به عنوان وظیفه روزمره، بلکه به عنوان فعالیتی اتفاقی و غیرضروری تلقی کند. در چنین شرایطی، حتی اگر والدین خود اهل عبادت و فعالیت دینی باشند، فقدان نظم زمانی در انتقال این تجربه به کودک، کارایی تربیتی آن را کاهش می‌دهد (دهقان‌پور و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۷۱).

۲.۸. فروپاشی تدریجی مرجعیت والدین در تربیت دینی در برابر الگوسازی‌های رسانه‌ای

از دیگر چالش‌های جدی تربیت معنوی در عصر دیجیتال، تضعیف جایگاه مرجعیت والدین در نگاه کودک است. در گذشته، والدین مهم‌ترین مرجع دینی، اخلاقی و رفتاری کودک محسوب می‌شدند. اما امروزه، کودک دیجیتال با طیف متنوعی از شخصیت‌های رسانه‌ای، اینفلوئنسرها، شخصیت‌های بازی و انیمیشن و تولیدکنندگان محتوا مواجه است که در نقش الگوهای فرهنگی جدید ظاهر می‌شوند (کیانی و همکاران، ۱۴۰۴، ص ۱۰۱).

این شخصیت‌های رسانه‌ای به گونه‌ای طراحی شده‌اند که کودک، آن‌ها را تحسین کند، با آن‌ها همذات‌پنداری نماید و از رفتار و سخنانشان تأثیر بگیرد. در چنین حالتی، توصیه‌های دینی والدین، اگر فاقد جذابیت یا اقتدار رسانه‌ای باشند، از نظر کودک کم‌ارزش تلقی شده و حتی در مواردی، در تضاد با الگوهای ذهنی‌اش قرار می‌گیرند (صالحی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۴۳).

مرجعیت تربیتی زمانی معتبر است که با اقتدار نرم همراه باشد؛ یعنی والدین باید بتوانند به زبان کودک سخن بگویند، با علایق و دغدغه‌های رسانه‌ای او آشنا باشند و از ابزارهای نوین برای انتقال مفاهیم استفاده کنند. در غیر این صورت، کودک آن‌ها را بیگانه با زیست‌جهان خود تلقی کرده و اعتمادش به مرجعیت تربیتی آنان تضعیف می‌شود (شریفی و شیرزادی، ۱۴۰۳، ص ۲۷).

در این شرایط، کودک ممکن است تربیت دینی را امری صرفاً تحمیلی یا قدیمی بداند و حتی در مواردی، آن را با ارزش‌های فردگرایانه و لذت‌محور برخی شخصیت‌های محبوبش مقایسه کرده و به چالش بکشد (صالحی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۴۴). اگر این فرآیند به شکل تدریجی و مداوم ادامه یابد، والدین نقش خود را به عنوان منبع اقتدار اخلاقی از دست داده و تربیت معنوی کودک دچار گسست ساختاری می‌شود.

در ادامه این روند، بحران گفت‌وگو نیز بروز می‌یابد. کودک، والدین را ناتوان از درک مسائل و دغدغه‌های خود می‌بیند و در مقابل، والدین نیز فرزند خود را لجوج یا بی‌اعتنا به ارزش‌ها تلقی می‌کنند. این گسست ارتباطی، انتقال ارزش‌های دینی را دشوار ساخته و زمینه بی‌هویتی معنوی را فراهم می‌کند (کیانی و همکاران، ۱۴۰۴، ص ۱۰۵). در حالی که، بر اساس آموزه‌های تربیتی اسلامی، یکی از مؤلفه‌های اصلی تربیت، استمرار رابطه نزدیک عاطفی - معرفتی میان والد و فرزند است که بستر طبیعی انتقال ایمان را فراهم می‌سازد (صالحی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۴۹).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر بر آن است تا با شناسایی چالش‌های بنیادین تربیت معنوی کودکان در فضای دیجیتال، زمینه‌ای برای بازاندیشی در نقش تربیتی والدین فراهم آورد. داده‌های تحلیلی نشان می‌دهند که فاصله نسلی و شکاف درک تکنولوژیک بین والدین و فرزندان، مانعی جدی در ارتباط معنوی اثربخش شده است. از سوی دیگر، نبود زبان تربیتی متناسب با جهان کودک و سلطه محتوای رسانه‌ای غیردینی، بر تعارضات معنایی و ارزشی میان والد و کودک افزوده است.

تسلط الگوسازی رسانه‌ای، سبب کاهش اقتدار والدین در مقام مرجع تربیتی و در نهایت تضعیف نقش آن‌ها در القای مفاهیم دینی شده است. کودک امروزی، الگوهای خود را از شبکه‌ها، بازی‌ها و شخصیت‌های مجازی وام می‌گیرد و این روند، در غیاب گفت‌وگوی مؤثر، به حذف تدریجی ایمان سنتی از زیست‌جهان روان‌شناختی کودک منجر می‌شود. همچنین، وابستگی بیش‌ازحد به ابزارهای دیجیتال، فرصت خلوت درونی و تمرین معنوی را از او سلب می‌کند.

ناتوانی والدین در پاسخ‌گویی به سؤالات جدید اعتقادی که در بستر فضای مجازی برای کودک شکل می‌گیرد، به کاهش اعتبار کلام والد منجر می‌شود. همچنین، فقدان منابع تربیتی دینی متناسب با زبان کودک دیجیتال، امکان همذات‌پنداری او با مفاهیم دینی را کاهش داده و رابطه او با آموزه‌های دینی را سطحی و شکننده می‌سازد. این عوامل، موجب تضعیف فرایند درونی‌سازی ایمان و اخلاق در کودک خواهند شد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، روشن است که خانواده برای حفظ جایگاه خود به عنوان مهم‌ترین نهاد تربیت دینی، نیازمند توانمندسازی همه‌جانبه، بازتعریف نقش، و انطباق با زبان تربیتی دوران دیجیتال است. این امر مستلزم طراحی برنامه‌هایی جامع در حوزه سواد رسانه‌ای، آموزش والدگری معنوی، و حمایت محتوایی از والدین

در مواجهه با جریان‌های شبهه‌زا و الگوساز است. تنها از این طریق می‌توان از فروپاشی آرام مرجعیت معنوی در خانواده جلوگیری کرد و کودک را در سیر معنویت‌ورزی یاری داد.

فهرست منابع و مآخذ

1. دهقان‌پور، مژگان؛ محمودی، مهدی؛ ساریخانی، معصومه. «واکاوی نقش خانواده در تربیت معنوی کودکان». اولین کنفرانس بین‌المللی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت، بندرعباس، ۱۴۰۳.
2. کیانی، معصومه؛ مهرمحمدی، محمود؛ صادق‌زاده قمصری، علیرضا؛ نوذری، محمود. «تبیین رویکردهای موجود درباره تربیت معنوی کودکان با تأکید بر آموزه‌های اسلامی». فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۶۲۱، ۱۴۰۴.
3. صالحی، پروین؛ ایزدی، محمدرضا؛ کریمیان، مرضیه؛ لطفی‌زاده، فاطمه. «تربیت دینی در عصر دیجیتال: چالش‌ها و راهکارها». اولین همایش علوم انسانی با رویکرد نوین، ۱۴۰۳.
4. سوگندی تک‌آغاچ، علی؛ عباسپور، حمیدرضا؛ بخشی، کوثر؛ حیدری‌کیا، زهرا. «راهکارهای اسلامی برای مقابله با چالش‌های تربیتی کودکان در عصر دیجیتال». اولین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در آموزش و پرورش، ۱۴۰۲.
5. معصومه کیانی مریم پورجمشیدی؛ «تبیین تربیت معنوی برای کودکان با تأکید بر مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی عمومی ایران و بررسی فرصت‌ها و چالش‌های یادگیری الکترونیکی برای آن»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات تربیتی. ۱۴۰۲.
6. حافظی، اکرم. «باورهای معنوی در تربیت کودکان و نوجوانان». کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و علوم اسلامی، ۱۴۰۰.
7. شریفی، محمد؛ شیرزادی، عطیه. «راهکارهای والدین در مدیریت فضای مجازی در تربیت معنوی فرزندان». سومین همایش ملی امور تربیتی، یزد، ۱۴۰۳.
8. شامی، علیرضا؛ ستارپور، صاحبه. «نقش فضای مجازی در تعلیم و تربیت دینی کودکان و نوجوانان». اولین همایش ملی مهارت‌های معلمی، مسجدسلیمان، ۱۴۰۳.
9. غلامزاده، فاطمه؛ همتی، مهسا. «تأثیر مخرب فضای مجازی بر تربیت دینی کودکان». دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۱۴۰۲.

10. مقدم، امیرحسین؛ جمشیدی عزیزآبادی، شقایق؛ رهسپار، زهرا. «مزایا و معایب فضای مجازی در تربیت معنوی». فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۹، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲.
11. صالحی، پروین؛ ایزدی، محمدرضا؛ کریمیان، مرضیه؛ لطفی‌زاده، فاطمه. «تربیت دینی در عصر دیجیتال: چالش‌ها و راهکارها». اولین همایش علوم انسانی با رویکرد نوین، ۱۴۰۳.
12. رضوانیان، رضا؛ رضوانیان، بهزاد. «تأثیر اینترنت و فضای مجازی در تربیت دینی کودکان». دومین کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی در قرن ۲۱، ۱۴۰۰.